

## مشارکت ذینفعان در دستور کار خطمشی عمومی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی

محمود دشت‌بزرگ<sup>۱</sup> - فواد مکوندی<sup>۲\*</sup> - وحید چناری<sup>۳</sup> - قنبر امیرنژاد<sup>۴</sup> - سعید جعفری‌نیا<sup>۵</sup>

### چکیده

**هدف:** باز بودن مجلس می‌تواند فرصت‌های مهمی را برای مشارکت ذینفعان در کارکردهای اصلی مجلس از جمله خطمشی‌گذاری فراهم کند. هدف اصلی پژوهش تبیین شرایط علی مشارکت ذینفعان در دستورکار خطمشی عمومی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی است.

**روش پژوهش:** این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-پیمایشی می‌باشد. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند، گردآوری شده‌اند. جامعه آماری هدف این پژوهش شامل خبرگان، اساتید و کارشناسان، نمایندگان و اعضای کمیسیون انرژی مجلس بوده است که به تصادف تعداد ۲۲ نفر انتخاب شده‌اند. برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، بررسی سوالات فرعی و تجزیه و تحلیل یافته‌های جمع‌آوری شده، از آمار توصیفی و آمار استنباطی با نرم افزارهای *spss* و *Lisrel* استفاده شده است. این تحقیق یک تحقیق کیفی و کمی است که از روش داده بنیاد استفاده نموده است. پس از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند شرایط علی مشارکت ذینفعان در دستور کار خطمشی عمومی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی دارای مؤلفه‌های رفتار ذینفعان، ماهیت مشارکت، عوامل مدیریتی و ماهیت دستور کار خطمشی، شناسایی شدند.

**یافته‌ها:** این تحقیق یک تحقیق کیفی و کمی است که از روش داده بنیاد استفاده نموده است. پس از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند شرایط علی مشارکت ذینفعان در دستور کار خطمشی عمومی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی دارای مؤلفه‌های رفتار ذینفعان، ماهیت مشارکت، عوامل مدیریتی و ماهیت دستور کار خطمشی، شناسایی شدند.

**نتایج:** نظر به اینکه ذینفعان مانند پلی برای قرار گرفتن جریان مسائل در دستورکار خطمشی، عمل می‌کنند و در شرایط فعلی خلاء و فضای خالی حضور فعال ذینفعان بین مسائل و دستورکار وجود دارد، این پژوهش جهت گیری تدوین دستورکار خطمشی عمومی از حالت سلسله مراتبی را به فرآیندی تغییر داده و در راستای فرآیند مدار کردن به جای فرد مدار بودن عملکرد کمیسیون انرژی مجلس است.

**کلید واژه‌ها:** مجلس، خطمشی عمومی، دستورکار، مشارکت، ذینفعان

<sup>۱</sup> گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

<sup>۲</sup> گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول) [foad.makvandi@iau-shoushtar.ac.ir](mailto:foad.makvandi@iau-shoushtar.ac.ir)

<sup>۳</sup> گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

<sup>۴</sup> گروه مدیریت، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۵</sup> دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران

## مقدمه

نوآوری شناخته می‌شود. همکاری پتانسیل کشف راه- حل‌های بدیع و نوآورانه در خط‌مشی‌گذاری را افزایش می‌دهد (گرای<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹ و آلمانو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

مجلس وظیفه نمایندگی افراد و گروه‌ها در جامعه (جانسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵) و یک نهاد آغازگر و منشأ خط‌مشی محسوب می‌شود (دسائی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). مجلس نقش اساسی در سطح ملی به عنوان نهاد اصلی دموکراسی نمایندگی مدرن دارد. در میان کارکردهای مختلف مجلس، مهمترین کارکرد، تضمین شنیده شدن صدای ذینفعان می‌باشد (ساستو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). غیرممکن است که خط‌مشی عمومی با هر اهمیتی، ناشی از روند انتخاب یک بازیگر واحد باشد (هازلهاست<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). در حقیقت مجلس و نهادهای خط‌مشی‌گذار، براساس وظیفه‌ای که دارند، باید مسائل عمومی را شناسایی نموده و سپس آنها را برای خط‌مشی‌گذاری در دستورکار قرار دهند (اوجس<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹). مشارکت ذینفعان در خط‌مشی‌گذاری مجلس یک مکمل بسیار مهم برای فرآیندهای دموکراسی نمایندگی است. این سناریوی خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر این فرض است که خط‌مشی‌های پایدار نیاز به شنیده شدن صداهای محلی دارند و همراستا با نظر پیر و پیترز (۲۰۰۰) مبنی بر اجماع، مشورت و دموکراسی همچنین نظر استیورس<sup>۱۵</sup> مبنی بر گوش دادن مجلس شامل خود‌گشودگی، احترام گذاشتن به تفاوت‌ها و بازتابندگی مرتبط با تئوری پست مدرنیسم، می‌باشد. درحقیقت با این گونه خط‌مشی‌گذاری مشارکتی نمایندگان مجلس می‌توانند مستمعین خوب، به معنی ارتباط دو طرفه و متقابل با ذینفعان و احترام گذاشتن آنها به تفاوت‌ها از طریق مذاکره، مشارکت، اجماع و گفت‌وگو، (هیل و هیوپ<sup>۱۶</sup>، ۱۳۹۷). علیرغم اهمیت زیاد دستورکار، جای تعجب است که تحقیقات کمی در مورد دستورکار خط‌مشی عمومی مجلس، صورت گرفته است. دلیل این امر می‌تواند پیروی از نظریه لوکز<sup>۱۷</sup> (۱۹۷۴) در مورد برنامه ریزی پنهانی برای کسب قدرت، باشد. اغلب،

در اکو سیستم‌های بشری مدرن همه ذینفعان و بازیگران مرتبط باید با یکدیگر همکاری کنند تا راه حل‌هایی را ارائه دهند که از نظر فنی کاربردی، از نظر اجتماعی پذیرفته شده، از نظر اقتصادی موفق باشند و خط‌مشی‌های قابل اعتماد را تدوین کنند (اسکوروت<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). دستورکار خط‌مشی را نمی‌توان تنها توسط دولت و حاکمیت به دست آورد بلکه همه بخش‌های جامعه باید فعال و در آن مشارکت داشته باشند (اسکپ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). گنجاندن طیف متنوعی از بازیگران نه تنها موضوع پابندی به اصل مشارکت دموکراتیک است، بلکه وسیله‌ای برای تعیین دستورکارهایی است که از نظر اجتماعی قوی هستند (ژورکسن<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). بدیهی است که دولت‌ها نمی‌توانند همه اطلاعات موجود را داشته باشند و باید از ورودی‌های کاربران و اشخاص علاقمند استفاده کنند. مشارکت ذینفعان باعث افزایش احتمال مطابقت با ایجاد مشروعیت در پیشنهادها و خط‌مشی می‌شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹)؛ رویکردهای مشارکتی، مبتنی بر منطق طراحی و تفکر سیستمی هستند که در آن گفت‌وگو، طراحی و خلق مشترک در تصمیم‌گیری پدیدار می‌شوند. این رویکردها مبین تغییر مشارکتی در خط‌مشی‌گذاری عمومی است که به تازگی به عنوان پارادایم جدید مدیریت دولتی توصیف شده است (بلومکمپ<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱). فرآیند مشارکتی می‌تواند از بالا به پایین اعمال شود یا از پایین به بالا باشد (دسمت و بورش<sup>۶</sup>، ۲۰۲۱).

مفهوم اصلی برنامه‌ریزی مشارکتی این است که اختیارات توسعه برنامه‌ها به ذینفعان محول شود تا در مذاکرات و گفتگوها برای رسیدن به یک توافق شرکت کنند و به دنبال راه‌حل‌های اجماع برای مشکلات مشترک باشند (بورگن<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). مشارکت ذینفعان امروزه به طور فزاینده‌ای به عنوان محرک

جلسات مجالس در پشت درهای بسته انجام می‌شود. بنابراین تنظیم دستورکار، علنی و با مشارکت ذینفعان نیست (اوجس، ۲۰۱۹). اکثر حوزه‌های خط‌مشی توسط شبکه‌های دولتی که نوعی انحصار روابط با بازیگران مشخص و محدودیت دسترسی به خط‌مشی را نشان می‌دهند، اداره می‌شوند. به عنوان مثال، خط‌مشی انرژی در انحصار مجلس و دولت بوده و مجلس و دولت در تعریف و اجرای دستور کار خط‌مشی جایگاه غالبی دارند (بونافونت و مارکونز<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۱). هیچ قانون مشخص و واحدی در مورد چگونگی درگیرسازی و تعامل با ذینفعان وجود ندارد (برزوار<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۹). تحقیقات مقایسه‌ای نشان می‌دهد که بیشتر شیوه‌های مشارکتی در مجالس به جای تقویت روابط بین ذینفعان و نمایندگان، بر اطلاع‌رسانی در مورد عملکردها و فعالیت‌های خط‌مشی گذاران متمرکز بوده است (هندریکس و کای<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۶).

شیوه موجود مشارکت ذینفعان در مجلس بر مبنای سطح اطلاعات<sup>۲۱</sup> یعنی پایین‌ترین سطح مشارکت در مراحل درگیرسازی ذینفعان در روند خط‌مشی گذاری است. لذا ذینفعان مخاطب اطلاعات بوده و تعاملی بین آنها و خط‌مشی گذاران وجود ندارد. مجلس که خود نماد دموکراسی است فاقد روش دموکراتیک در تدوین دستورکار خط‌مشی گذاری و دارای رفتار و عملکرد مبتنی بر فرآیندهای دموکراسی نمایندگی است. فرآیندهای تعیین دستور کار عمومی در کمیسیون انرژی مجلس تاکنون عمدتاً بر اعمال دیدگاه‌های غالب اعضای کمیسیون و برخی نخبگان و ذی‌نفوذان صورت می‌گیرد و فرصت کمی برای مشارکت ذینفعان فراهم می‌کند. الگوی فعلی تصمیم‌گیری برای قراردادن موضوعی در دستورکار مجلس، اغلب نامرئی است. جلسه تعیین دستورکار، به جای اینکه محلی برای بحث و گفتگوها و اجماع ذینفعان باشد، محفلی برای خط‌مشی گذاری‌های جناح سیاسی قالب و حاکم بر مجلس و کمیسیون است و کنترل دستورکار در

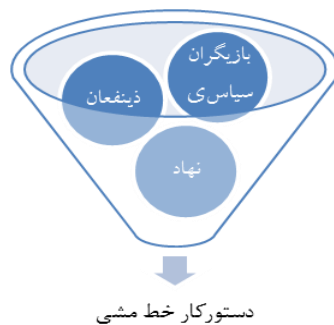
اختیار رئیس مجلس یا کمیسیون است. به عبارت دیگر تنظیم دستور کار کاملاً در انحصار مجلس و کمیسیون‌های مجلس است. در حقیقت می‌توان گفت تولید دستورکار خط‌مشی انرژی در مجلس به طور مستقل با حضور اعضای کمیسیون و قرار گرفتن آنها در جایگاه صندلی راننده دستورکار گذاری صورت می‌گیرد. بیشتر تصمیم‌گیری‌های مجلس با شفافیت ناکافی صورت می‌گیرد. تصمیم‌گیری در کمیسیون انرژی مجلس در پشت درهای بسته صورت می‌گیرد. این وضعیت، سیگنالی می‌فرستد که این یک امتیاز (رانت) کلی سیاسی برای تصمیم‌گیری کمیسیون‌های تخصصی است. با مشارکت دادن ذینفعان در دستور کار خط‌مشی عمومی کمیسیون انرژی، پنجره‌های فرصت خط‌مشی بیشتر از آنچه که بدون مشارکت انجام می‌شود، باز می‌مانند. موضوعی که در پژوهش حاضر بدان پرداخته شده است، تبیین شرایط علی مشارکت ذینفعان در دستور کار خط‌مشی عمومی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی است. مبنای نظری این پژوهش در وابستگی به منابع و نظریه‌های نهادی است، که معمولاً برای توضیح رفتار و عملکرد سازمان، تحت تأثیر محیط آن استفاده می‌شود. اگر نظریه نهادی حاکم نباشد سازمان‌ها شروع به نگاه یکسان می‌کنند و هویت و ظرفیت نوآوری را از دست می‌دهند (گومز<sup>۲۲</sup>، ۲۰۰۴). خط‌مشی‌های عمومی جهت‌گیری‌های کلی هستند که چگونگی عمل سازمان‌ها و موسسات دولتی را در آینده مشخص می‌سازند و معمولاً برای مقابله با یک مشکل و مسئله عمومی و به منظور حل آن (اندرسون<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۳) از طریق نفوذ بر تصمیمات فردی و جمعی، پدید می‌آیند (پلاچینوتا<sup>۲۴</sup>، ۲۰۲۰). در نتیجه، خط‌مشی‌ها مانند سیستم‌های نرم، بسیار وابسته به بازیگران هستند (سربان، ۲۰۱۵). خط‌مشی گذاری عمومی صرفاً یک عملکرد فنی دولت نیست بلکه یک فرآیند تعاملی است (یالمانوف<sup>۲۵</sup>، ۲۰۲۱). مشارکت در خط‌مشی

شهروندان، مشاغل و مصرف کنندگان (آلمانو، ۲۰۱۵). مشارکت و تعامل، ترفداری از کشمکش موجود در دموکراسی‌های مدرن که بین نمایندگان سیاسی مشروعیت یافته از رای مردم با متخصصان شکل گرفته است، را نشان می‌دهد (وینگارت<sup>۳۳</sup>، ۲۰۲۱). مشارکت به ایجاد روابطی کمک می‌کند که منجر به بهبود خطمشی‌ها در جوامع می‌شود (کاردینیا شایر<sup>۳۴</sup>، ۲۰۲۱). کمیسیون حقوقی سازمان ملل (۲۰۱۴) طی قطعنامه شماره ۲۰۰۰ مشارکت را جزو یکی از ۶ شاخص حکمرانی خوب معرفی کرده است (برزوار، ۲۰۱۹).

آرنشتاین<sup>۳۵</sup> (۱۹۶۹) یک چارچوب (پلکان) ارزشمندی برای مشارکت بین دولت‌ها و شهروندان در جریان تصمیم‌گیری در ارائه داد (رینگولم<sup>۳۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). این پلکان نماد هشت درجه مشارکت، از عدم مشارکت در پایین‌ترین سطح تا پیشرفته‌ترین شکل مشارکت است (کیریلک<sup>۳۷</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). مطالعات جدیدتر پلکانی دیگر از مشارکت را مشابه شکل ۲ از سطح اطلاعات (آگاه سازی)<sup>۳۸</sup> که یک ارتباط یک طرفه ساده است به سمت بالاترین سطح مشارکت یعنی خودکنترلی<sup>۳۹</sup> ارائه می‌دهد (اشتروم<sup>۴۰</sup>، ۱۹۹۰). سطوح مشاوره<sup>۴۱</sup>؛ همفکری (توافق)<sup>۴۲</sup>؛ طراحی مشارکتی<sup>۴۳</sup>؛ و تصمیم‌گیری<sup>۴۴</sup>، از پله‌های دیگر نردبان هستند (فرانزان<sup>۴۵</sup>، ۲۰۱۲).

گذاری بر معنای چگونگی قرار گرفتن مسائل در دستورکار و به عبارتی تصمیم‌گیری برای تصمیم، تاکید می‌کند (هیل و هیوپ، ۱۳۹۷). دستورکار جنبه اساسی در فرآیند خطمشی عمومی است (بریکلند و اسکوابل<sup>۴۶</sup>، ۲۰۱۹). تنظیم دستورکار به این اشاره دارد که چگونه یک مسئله خاص توجه خطمشی‌گذاران را در میان موضوعات دیگری که برای اولویت رقابت می‌کنند، به دست می‌آورد (مازو و مایونگا<sup>۴۷</sup>، ۲۰۲۱). از نظر کینگدان (۱۹۸۴) تنظیم دستورکار به معنی تفسیر مشکل و تعیین گزینه‌های خطمشی برای حل آنهاست (کریسی<sup>۴۸</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). از نظر استوارت<sup>۴۹</sup> (۱۹۹۱) سه نیروی تاثیرگذار عمده بر دستورکار مطابق شکل ۱ می‌باشد.

بازیگران سیاسی مشکلات را برای افزایش یا کاهش توجه به خود و هدایت خطمشی‌گذاران به سمت راه حل، تنظیم می‌کنند (بومبرگ<sup>۳۰</sup>، ۲۰۱۳). ذینفعان اطلاعاتی را در زمینه خطمشی‌گذاری به مقامات دولتی ارائه می‌دهند، و به دنبال ترغیب خطمشی‌گذاران برای همکاری با خود هستند (اسکات اشنايدر<sup>۳۱</sup>، ۱۹۶۰). سازمان و نهاد، در سطح مقامات ملی و دولت نقش ویژه‌ای در خطمشی‌گذاری دارد (کافمن<sup>۳۲</sup>، ۱۹۷۶). خطمشی‌گذاری به طور سنتی از دیگاه بالا به پایین مورد بحث قرار گرفته است، یعنی از دیدگاه قانون‌گذاران (دیوان سالاران، مقامات، و سیاستمداران) به جای از دیدگاه



شکل ۱: عوامل تاثیرگذار عمده بر شکل‌گیری دستورکار خطمشی عمومی

(استوارت، ۱۹۹۱)



شکل ۲: پلکان مشارکت  
(ارل و همکاران، ۲۰۱۰)

دموکراسی مشارکتی تبادل معنی دار بین شهروندان و دولت برقرار است (شابالالال<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳).

خط‌مشی گذاری مشارکتی، شامل ایجاد شرایط برای ذینفعان جهت مشارکت معنادار در ایجاد دانش مشترک و اقدام جمعی است (بلومکمپ، ۲۰۲۱). ادبیات موجود درباره تنظیم دستور کار مشارکتی بر این پرسش متمرکز است که چگونه افرادی که تحت تأثیر نتایج خط‌مشی قرار می‌گیرند می‌توانند در این فرآیند مشارکت داشته باشند. فرض بر این است که درگیرکردن به موقع ذینفعان در فرآیندهای تنظیم دستورکار، امکان پیش بینی پیامدها را فراهم می‌کند (گادوسکی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). از مشارکت ذینفعان می‌توان به عنوان یک جزء اساسی از فرآیند تعیین دستورکار خط‌مشی نام برد. سه عنصر اساسی فرآیند تعیین دستورکار مشارکتی عبارتند از: ۱) بازکردن فرآیند برای ذینفعان و سایرینی که معمولاً از این فرآیند محروم هستند. ۲) امکان مشارکت. ۳) تقویت فرآیند از طریق انتخاب و استفاده از کانال‌های انتقال مناسب (اسکوروت و همکاران، ۲۰۲۰).

اصطلاحات مجلس و دموکراسی به هم مرتبط هستند. مجلس نهاد مرکزی است که از طریق آن اراده مردم بیان می‌شود و قوانین تصویب می‌شود (پاپالوئی و گوسکاس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱). مجالس مکان‌های مهمی برای تدوین دستورکار خط‌مشی‌ها هستند (کوالیری و فرویو<sup>۶</sup>، ۲۰۲۱). در پاسخ به بحران دموکراسی، مجالس در سراسر جهان در حال توسعه سازوکارهای مشارکتی برای ارتقاء مشارکت پارلمانی و ایجاد

کوهن<sup>۶</sup> و همکاران سه دسته عوامل اصلی موثر بر مشارکت را مشخص کرده‌اند: (۱) عوامل استراتژیک (یعنی مقامات) که بر روند نظارت می‌کنند؛ (۲) عوامل عملیاتی که فرآیند را انجام می‌دهند؛ (۳) ذینفعان مشارکت کننده که از طریق یک فرآیند ساختار یافته، اطلاعات ارائه می‌دهند (کیریلک و همکاران، ۲۰۲۱).

ذینفعان مجموعه افرادی هستند که در زمینه موضوعات مورد علاقه همکاری می‌کنند و از طریق تعامل با یکدیگر، از یکدیگر یاد می‌گیرند (ایتون<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). نظریه ذینفعان اغلب با تئوری‌های نهادگرایی، مرتبط است (گومز، ۲۰۰۴). ریشه‌های فلسفی درگیرسازی ذینفعان در ایده دموکراسی مشارکتی یافت شد، با تکنیک‌های جدید مدیریت عمومی عملیاتی شد و سرانجام به بخشی از جنبش گسترده دولت باز تبدیل شد (آلمانو، ۲۰۱۵). ظهور درگیرسازی ذینفعان به عنوان بخشی از تغییر گسترده تر از دولت<sup>۸</sup> به حکمرانی<sup>۹</sup>، است که در آن اشکال عمودی و سلسله مراتبی جای خود را به ساختارهای افقی و مشارکتی بیشتر خط‌مشی گذاری می‌دهند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۱). مشارکت ذینفعان به عنوان راهی برای بهبود کیفیت و مشروعیت تصمیمات شناخته می‌شود (راشید<sup>۱۱</sup>، ۲۰۲۰). زیربنای فلسفی جهان بینی شهروند محور در خط‌مشی گذاری با ایده دموکراسی مشارکتی<sup>۱۲</sup> ارائه شده است (آلمانو، ۲۰۱۵). دموکراسی مشارکتی مستلزم مشارکت فعال شهروندان و ذینفعان است. در

- فرصت‌های بیشتر برای تأثیرگذاری شهروندان در خطمشی گذاری هستند (ماتوس<sup>۵۷</sup>، ۲۰۲۱). بدیهی است که فضای زیادی برای بهبود عمق و وسعت شیوه‌های مشارکت در کمیسیون‌های مجلس وجود دارد. تعمیق مشارکت به معنای عبور از جریان اطلاعات یک طرفه، به سمت شرایط مشورتی بیشتر است که ارتباطات باز، بازتابنده<sup>۵۸</sup> و محاوره‌ای است. مشارکت ذینفعان باید نقش محوری تری در دستورکار مشورتی مجلس به ویژه کمیسیون‌های تخصصی ایفا کند و کمیسیون‌ها باید مشارکت خود را تعمیق و گسترش دهند. گسترش مشارکت مستلزم دستیابی به ذینفعان و دریافت فعالانه صداهای آنهاست (فارکت<sup>۵۹</sup>، ۲۰۱۷) منطق حاکم بر خطمشی گذاری مشارکتی در کمیسیون‌های مجلس این است که ورودی خطمشی از طیف وسیع تری از صداها و علایق و ارائه دیدگاه‌های متفاوت می‌تواند منجر به بررسی جزئیات و توسعه تخصص؛ بهبود و بررسی شفاف تر، بهبود نتایج؛ اجرای موثرتر خطمشی؛ افزایش مشروعیت؛ آگاهی بیشتر از دیدگاه‌های جامعه و افزایش توانایی خطمشی گذاران برای پاسخگویی به نگرانی‌های عمومی؛ و افزایش ظرفیت مشورتی کمیسیون‌ها، می‌شود (باکل و برتیر<sup>۶۰</sup>، ۲۰۱۹). پنج مرحله تعامل با مجلس را می‌توان به صورت: اطلاعات، درک، شناسایی، مشارکت و مداخله، تعریف کرد. به این معنی که ذینفعان عملاً می‌توانند این فرایند را هدایت کرده و با نمایندگان مجلس در بحث‌های مربوط به تصمیم مجلس مشارکت کنند (واکر<sup>۶۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). کمیسیون‌های تخصصی مجلس، به عنوان حلقه اتصال نقش موثری در آوردن ذینفعان به مجلس، حل عدم مشارکت، تجدید دموکراتیک و برقراری ارتباط ذینفعان با مجلس دارند. نارضایتی و عدم تعامل ذینفعان با خطمشی گذاری در مجلس پیامدهای زیر را دارد:
- شکاف نمایندگی، کاهش ظرفیت‌های سیستماتیک برای گوش دادن و پاسخگویی
- شکاف راهبردی، کاهش نقش کلیدی مجامع ذینفعان برای تعیین دستورکار خطمشی (پدرسون و همکاران<sup>۶۲</sup>، ۲۰۱۵).
- مشارکت ذینفعان در خطمشی گذاری مجلس متعلق به روند گسترده تر تجربی گرایی دموکراتیک<sup>۶۳</sup> و مکمل خطمشی گذاری سنتی پارلمانی و اداری است (دورف و سابل<sup>۶۴</sup>، ۱۹۹۸). ایده مجلس باز<sup>۶۵</sup> به معنای شفافیت و پاسخگویی کامل در انتخاب‌ها، مدیریت و عملکردها و فعالیت‌های اصلی، فراهم آوردن دسترسی ذینفعان به تصمیم گیرندگان و فرآیندهای تصمیم گیری برای ایجاد اعتماد در مجلس است (فاریکی و دیوجاک<sup>۶۶</sup>، ۲۰۱۷). در کمیسیون‌های تخصصی مجلس همیشه کشمکش بین شفافیت<sup>۶۷</sup> و اقدامات غیررسمی<sup>۶۸</sup> به عنوان یک چالش اساسی مطرح است (فاسون و لوپو<sup>۶۹</sup>، ۲۰۱۵). استماع<sup>۷۰</sup> پارلمانی رویه‌ای است که از طریق آن درگیری‌سازی کمیسیون‌ها با بازیگران مختلف انجام و باعث تقویت مکانیسم‌های شفافیت و پاسخگویی کمیسیون می‌شود (پدرسون و همکاران، ۲۰۱۵). تنظیم دستور کار در مجلس را می‌توان مطابق ایده گرین پدرسون<sup>۷۱</sup> (۲۰۱۰) از دیدگاه رقابت موضوعی درک کرد. مطابق این ایده، ذینفعان با یکدیگر به رقابت می‌پردازند تا موضوعات در دستورکار قرار گیرد (اوجس، ۲۰۱۹). با پیچیده تر شدن خطمشی گذاری، با استفاده از بازبودن مقوله استماع، زمینه برای حضور دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی در کمیسیون مجلس برای دادن مشاوره فراهم می‌شود (کوئن و کاتسایتیس<sup>۷۲</sup>، ۲۰۲۱).
- از این رو با توجه به شرایط موجود و با در نظر مفاهیم فوق، سوال اصلی پژوهش این است که شرایط علیّ مشارکت ذینفعان در دستورکار کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی کدامند؟

## روش پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به به دنبال شناسایی شرایط علی مشارکت ذینفعان در دستورکار کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی است، در ادامه با استفاده از مدل لایه‌ای پژوهش ساندرز و همکاران (۲۰۱۶) به تبیین لایه‌های پژوهش از فلسفه تا تکنیک مورد استفاده پرداخته شده است. مزیت استفاده از این مدل، ارائه یک شناخت منسجم و پیوسته از پژوهش صورت گرفته است. از این رو این تحقیق از بعد فلسفه، تفسیرگرایانه؛ از بعد رهیافت، استقرایی؛ از بعد استراتژی، پیمایشی؛ از بعد انتخاب روش، کیفی؛ از بعد افق مطالعه، مقطعی؛ و از لحاظ تکنیک، روش داده بنیاد است. جامعه‌ی خبرگان در پژوهش حاضر شامل افرادی است که نظرات آنها بتواند منجر به شناسایی شرایط علی مشارکت ذینفعان در دستورکار کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی شود. بنابراین جامعه پژوهش حاضر باید شناختی از دستور کار مجلس، مشارکت و چگونگی مشارکت ذینفعان در حوزه انرژی و حوزه خط‌مشی گذاری مشارکتی داشته باشند. از همین رو با توجه به مطالعه صورت گرفته، جامعه خبرگان پژوهش شامل کلیه اعضای کمیسیون انرژی مجلس، متخصصان خط‌مشی‌گذاری حوزه انرژی در ستاد وزارتخانه‌های قوه مجریه (مدیران عامل استان‌ها و معاونین برنامه‌ریزی- معاونین وزیر و شرکت‌های مادر تخصصی- مدیران عامل بازنشسته ۱۰ سال اخیر)، سندیکای پیمانکاران، مدیر و کارشناسان اداره کل انرژی سازمان برنامه و بودجه، متخصصان دانشگاهی خط‌مشی‌گذاری عمومی که صاحب مقالات و تألیفات در حوزه مرتبط هستند، فعالان صنعت در حوزه انرژی، پژوهشگاه نفت، پژوهشگاه نیرو می‌باشند. مصاحبه با کلیه این افراد امکان پذیر نیست و شناخت بهترین و مرتبط ترین افراد نیز بسیار مشکل است. از همین رو محقق برای شناسایی متخصص ترین افراد از روش گلوله برفی استفاده نموده است. در این پژوهش نیز

براساس تکنیک نمونه گیری گلوله برفی، ابتدا با یک یا دو متخصص از هر گروه مصاحبه و سپس از آن‌ها خواسته شد تا سایر متخصصان جهت مشارکت، متناسب با موضوع تحقیق را معرفی کنند. بنابراین، نمونه مانند یک گلوله برفی زیاد شد. از این رو تعداد ۲۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات ثانویه از روش کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از روش میدانی استفاده شده است. برای روش کتابخانه‌ای از مطالعه مستندات و تحقیقات صورت گرفته و مندرج در نشریات و پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی استفاده شد و همچنین برای روش میدانی نیز از مصاحبه استفاده شده است. مهمترین ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه است. مصاحبه شیوه‌ای منعطف است که می‌تواند در هر شرایطی استفاده شود و توانایی ایجاد اطلاعات بسیار عمیقی را دارد (دانایی فرد و کاظمی، ۱۳۹۳). به منظور ایجاد یک فرایند ثابت در انجام مصاحبه‌ها، پروتکل مصاحبه تدوین گردید. پروتکل مصاحبه براساس مقوله‌های اصلی مدل اشتراک و کرین طراحی شد (اشتراک و کرین ۷۳، ۲۰۰۸). مصاحبه از نوع نیمه ساختارمند برای جمع‌آوری داده مورد استفاده قرار گرفت. در این نوع مصاحبه معمولاً پرسش‌ها و موضوعات کلی مطرح می‌شوند و در خلال مصاحبه پرسش‌های جدیدی ساختاربندی می‌شوند و آنها نیز از مصاحبه شونده پرسیده می‌شوند. همچنین تحلیل محتوای متون که در فصل دوم به آنها اشاره شد به عنوان ابزار دیگر جمع‌آوری داده‌ها در نظر گرفته شدند. از طرف دیگر پس از شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها، پرسشنامه‌ای محقق ساخته طراحی شد که براساس مؤلفه‌های شناسایی شده، برای تحلیل عاملی تأییدی در بین نمونه آماری در بخش کمی، توزیع گردید. در فرایند تحلیل نظریه، داده‌های مصاحبه‌ای و متنی کدگذاری می‌شوند. کدگذاری اطلاعات شامل سه

منجر به ایجاد گروه‌ها و مقوله‌ها می‌شود. با بررسی ۹۵ مؤلفه در کدگذاری باز مصاحبه‌ها، و ایجاد کدهای محوری، ۲۵ مقوله دسته‌بندی شدند که از میان آنها ابعاد و مؤلفه‌های علی به شرح جدول ۳ مشخص و معین شدند.

**کدگذاری گزینشی (انتخابی):** کدگذاری انتخابی، فرایند یکپارچه‌سازی و تصفیه‌ی نظریه است (استروس و کوربین، ۱۳۹۶). در انتها در مرحله‌ی کدگذاری انتخابی با توجه به نتایج گام‌های قبلی کدگذاری، مقوله‌ی اصلی انتخاب شده و به شکلی نظام‌مند به سایر مقوله‌ها مرتبط شد، ارتباطات اعتباربخشیده شده و مقوله‌هایی که نیاز به تصفیه و توسعه‌ی بیشتر داشتند، بهبود یافتند. برای یکپارچه‌سازی و شناسایی عوامل علی مشارکت ذینفعان در دستور کار خط‌مشی، پس از شناسایی مقوله محوری و ربط دادن سایر مقوله‌ها در قالب پارادایم نظام‌مند نظریه‌سازی داده‌بنیاد، به پالایش ابعاد علی پرداخته شد. پس از شناسایی مقولات توسط کدگذاری محوری می‌توان با استفاده از فراوانی کدهای

مرحله است: کدگذاری باز<sup>۷۴</sup>، کدگذاری محوری<sup>۷۵</sup>، و کدگذاری گزینشی یا انتخابی<sup>۷۶</sup> است.

**کدگذاری باز:** در کدگذاری باز، کوچکترین واحدهای مفهومی در داده‌های کیفی گردآوری شده از طریق مصاحبه، در استراتژی داده‌بنیاد با رویکرد اکتشافی استخراج می‌شوند. نتایج حاصل از کدگذاری باز داده‌های کیفی گردآوری شده با استفاده از ابزار مصاحبه، تعداد ۹۵ کد باز از میان ۱۱۲ مفهوم شناسایی شده است.

**کدگذاری محوری:** در این پژوهش برای کدگذاری محوری از پارادایم اشترواس و کوربین استفاده شد. این پارادایم چهارچوبی منسجم است که به کمک آن می‌توان روابط احتمالی میان مقوله‌ها را مورد سنجش قرار داد و از طرفی دیگر امکان فهم نسبتاً جامع پدیده مورد نظر را فراهم می‌کند؛ زیرا در آن عوامل علی که موجب روی آوردن کنشگر، به فعالیتی خاص، که همان مقوله محوری است، می‌شود. هدف از این مرحله از کدگذاری، برقراری رابطه بین طبقه‌های تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. کدگذاری محوری،

جدول ۱: کدگذاری محوری

ردیف	مقوله‌های علی	کدهای باز	تکرار
۱	میزان و عقلانیت و رفتارهای سیاسی ذینفعان		۳
		انتظارات ذینفعان از مدیران	۲
	رفتار ذینفعان	آشنا شدن با نگرانی‌ها و انتظارات ذینفعان	۲
		منابع و منافع، قدرت و علاقه ذینفعان	۲
		فزایش کنترل و دسترسی ذینفعان	۲
۲	عوامل مدیریتی	صلاحیت و اختیارات مدیران	۲
		مقامات و موسسات دولتی	۳
۳		میزان مشارکت	۵
		شدت مشارکت	۶
	ماهیت مشارکت	هدف مشارکت و مشارکت در دانش بوم‌شناختی محلی	۲
		زمان مشارکت	۴
۴		انتخاب مدل دستور کار	۷
	ماهیت دستور کار	نوع اطلاعات دستور کار	۵
		بهبود دقت تصمیمات	۳



داده شده به مقولات، اهمیت آنها را مشخص نمود. خروجی نرم افزار مربوط به فراوانی کدهای داده شده به مقولات علی به تفکیک هر یک از مصاحبه شوندگان از بین ۳۷۲ فراوانی، در جدول ۴ آورده شده است.

H<sub>0</sub>: توزیع داده‌های مربوط به متغیرها نرمال است  
H<sub>1</sub>: توزیع داده‌های مربوط به متغیرها نرمال نیست  
نتایج آزمون نرمال بوده داده‌ها در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی به تفکیک شناسایی مقولات

مقوله	فراوانی مقولات	درصد
رفتار ذینفعان	۱۱	۲/۹۵
عوامل مدیریتی	۵	۱/۳۴
ماهیت مشارکت	۱۷	۴/۵۶
ماهیت دستور کار	۱۲	۳/۲۲
کل	۳۷۲	۱۰۰

جدول ۳: آزمون نرمال بودن داده‌ها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	sig	معناداری
عواملی علی (تسهیل گرو بازدارنده)	۳،۹۱۹	۰،۵۱۹	۰،۰۹۰	۰،۰۰۱

### یافته‌ها:

#### سؤال تحقیق

۱) مقوله‌های علی در فرایند مشارکت ذینفعان در دستور کار خط‌مشی عمومی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی کدامند؟  
شرایط علی، شامل مواردی از مقولات است که مستقیماً بر پدیده محوری تاثیرگذار است یا به گونه‌ای ایجادکننده و توسعه دهنده این پدیده هستند که اغلب می‌توان با نگاهی منظم به داده‌ها و بازبینی حوادث آنها را پیدا کرد. نتایج بدست آمده، نشان داد که رفتار ذینفعان، ماهیت مشارکت، عوامل مدیریتی و ماهیت دستور کار خط‌مشی گذاری می‌تواند از شرایط علی موثر باشد.

بر اساس نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، مقدار معناداری اکثر متغیرها کوچکتر از سطح خطای (۰/۰۵) بدست آمده است. بنابراین فرض صفر رد شده و توزیع داده‌ها در مجموع نرمال نمی‌باشد. در چنین شرایطی، بهترین نرم افزار معادلات ساختاری برای اجرای مدل می‌باشد.

آماره‌ای که پژوهشگر از طریق آن قادر به تعیین و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است، استفاده از ضریب KMO است که مقدار آن همواره بین صفر و یک در نوسان است و از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$KMO = \frac{\sum \sum r_{ij}^2}{\sum \sum r_{ij}^2 + \sum \sum a_{ij}^2}$$

که در آن  $r_{ij}$  ضریب همبستگی ساده بین متغیرهای  $i$  و  $j$  و  $a_{ij}$  ضریب همبستگی جزئی بین آنهاست. اگر مجموع ضرایب همبستگی جزئی بین همه زوج متغیرها در مقایسه با مجموع مجذورات ضرایب همبستگی کوچک باشد، اندازه KMO نزدیک به یک خواهد بود. مقادیر کوچک KMO بیانگر آن است که همبستگی بین زوج متغیرها نمی‌تواند توسط متغیرهای دیگر تبیین شود، بنابراین کاربرد تحلیل عاملی متغیرها ممکن است قابل توجیه نباشد. در صورتی که مقدار KMO کمتر از ۰/۵ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶۹

#### آزمون کولموگروف-اسمیرنوف<sup>۲۷</sup>:

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها فرض صفر مبتنی بر این است که توزیع داده‌ها نرمال است. این آزمون در سطح خطای ۰/۰۵ تست می‌شود. اگر مقدار معناداری بزرگتر مساوی سطح خطای ۰/۰۵ بدست آید، دلیلی برای رد فرض صفر وجود نخواهد داشت. بنابراین توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود. برای آزمون نرمال بوده داده‌ها فرض‌های آماری به صورت زیر تنظیم می‌شود:

باشد می‌توان با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت؛ اما در صورتی که مقدار آن بزرگ‌تر از ۰/۷ باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. خروجی این آزمون در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۴: اندازه‌گیری کفایت نمونه

آزمون	آماره
کایسر-میر-اولکین	اندازه‌گیری کفایت نمونه ۰/۸۸۲
(KMO)	
تقریب کای دو	۲۰۵۴/۶۲
آزمون کرویت بارتلت <sup>۷۸</sup>	درجه آزادی ۷۴۱
	معناداری ۰،۰۰۰

از آنجاکه مقدار شاخص KMO برابر ۰/۸۸۲ به دست آمده است، تعداد نمونه برای تحلیل عاملی کفایت است. همچنین مقدار معناداری آزمون بارتلت، کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. که نشان می‌دهد نمونه انتخاب شده در بخش کمی و کیفی دارای کفایت بوده و می‌توان تحلیل عاملی تأییدی انجام داد.

برای بررسی روابط علی بین متغیرها به صورتی منسجم، کوشش‌های بسیاری در دهه اخیر صورت گرفته است. یکی از روش‌های نو در این زمینه مدل معادلات ساختاری است. از این روش به عنوان مدل علی یاد شده است. از طریق این روش می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص با استفاده از داده‌های همبستگی تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی، انجام داد. لذا از معادلات ساختاری استفاده کرده تا تحلیل عاملی تأییدی انجام دهیم.

تحلیل عاملی تأییدی مدل اندازه‌گیری عوامل تسهیل‌گر و بازدارنده (علی):

در این قسمت نتایج حاصل از اجرای مدل‌های

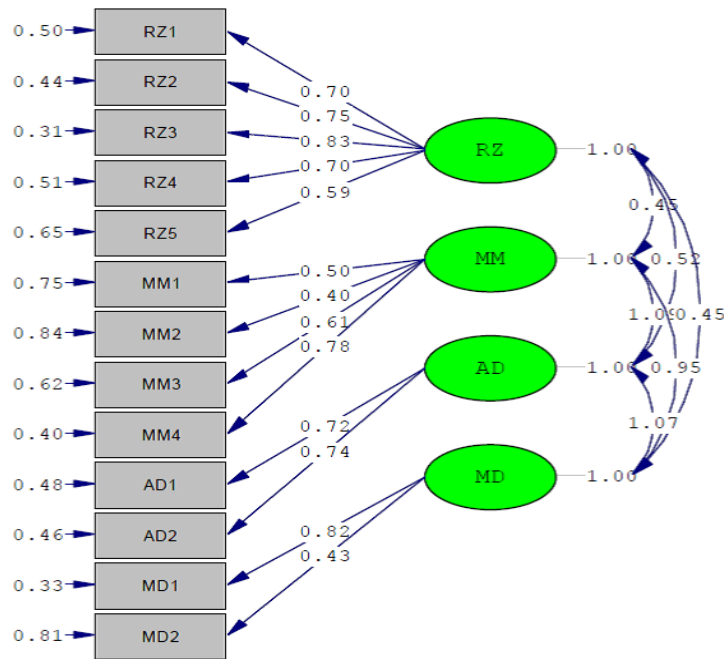
اندازه‌گیری عوامل تسهیل‌گر و بازدارنده و تحلیل

عاملی تأییدی برای این متغیر، با استفاده از فن تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری با کمک نرم افزار آماری لیزرل ارائه می‌شود. نتایج اجرای مدل عوامل علی حاکی از معناداری تحلیل عاملی مرتبه اول مدل اندازه‌گیری شرایط علی است. شکل ۳ مدل اندازه شرایط علی را در حالت تخمین استاندارد به همراه شاخص‌های مناسب بودن آن نشان می‌دهد. شاخص‌های برازش مدل به شرح جدول ۵ است.

جدول ۵: شاخص‌های برازش اولین مدل اندازه‌گیری عوامل تسهیل‌گر و بازدارنده (علی)

نتایج	مقدار مطلوب	معادل فارسی	شاخص برازش
۱،۰۰	۰،۹۰	شاخص برازش هنجار شده	Normed Fit Index (NFI)
۰،۹۹	۰،۹۰	شاخص برازش هنجار نشده	Non-Normed Fit Index (NNFI)
۱،۰۰	۰،۹۰	شاخص برازش تطبیقی	Comparative Fit Index (CFI)
۰،۹۸	۰،۹۰	شاخص نیکویی برازش	Goodness of Fit Index (GFI)
۰،۹۶	۰،۹۰	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
۱،۴۳	۳ >	مجذور کای به درجه آزادی	$\chi^2/df$

همان‌طور که مشاهده می‌شود شاخص‌های مدل حاکی از برازش مدل است. مقدار  $\chi^2$  به درجه آزادی برابر با ۱/۰۳ می‌باشد. همچنین میزان RMSEA (برابر با ۰/۰۶۳) و شاخص‌های GFI (برابر با ۰/۹۸)، AGFI (برابر با ۰/۹۶)، NFI (برابر با ۰/۹۹)، NNFI (برابر با ۱/۰۰) و CFI (برابر با ۱/۰۰) نشان دهنده مناسب بودن مدل است. بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ بوده اند و معنی دار می‌باشند.



Chi-Square=61.04, df=59, P-value=0.00000, RMSEA=0.063

شکل ۳: اولین مدل اندازه‌گیری شرایط علی در حالت تخمین استاندارد

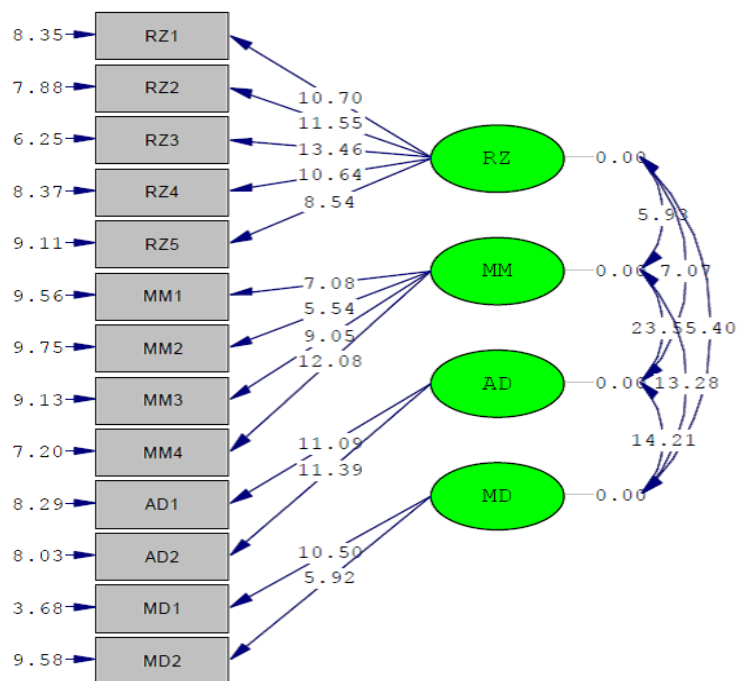
فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت

هر چه به سمت ۱ نزدیک شود مقدار تبیین واریانس بیشتر می‌گردد. همانطور که بارهای عاملی نشان می‌دهد میزان بار عاملی بالاتر از ۰٫۳ می‌باشد که بیانگر روایی همگرا است.

همچنین شکل ۴ خروجی نرم افزار از معناداری ضرایب و پارامترهای بدست آمده از اولین مدل اندازه‌گیری شرایط علی را نشان می‌دهد که تمامی ضرایب بدست آمده معنادار می‌باشند (مقدار آزمون معناداری از عدد ۱/۹۶ بزرگتر و از عدد ۱/۹۶- کوچکتر است). از طرف دیگر در شکل ۴ مقدار بارهای عاملی در حالت معنی داری مدل بالاتر از ۱/۹۶ می‌باشد که بیانگر مطلوب بودن سوال است.

متناسب با تحلیل عاملی مرتبه اول برای شرایط علی، مدل دوم اندازه‌گیری برای آن اجرا گردید. مجدداً نتایج حاکی از مناسب بودن مدل اندازه‌گیری است. شاخص‌های برازش مدل نیز به شرح جدول ۶ است.

با توجه به شکل معادلات ساختاری مرتبه اول شرایط علی در حالت تخمین استاندارد می‌توان چنین بیان کرد که شکل ۳ بارهای عاملی مدل در حالت تخمین استاندارد میزان تاثیر هر کدام از متغیرها و یا گویه‌ها را در توضیح و تبیین واریانس نمرات متغیر یا عامل اصلی نشان می‌دهد. به عبارت دیگر بار عاملی نشان دهنده میزان همبستگی هر متغیر مشاهده‌گر (سوال پرسشنامه) با متغیرهای تحقیق (عامل‌ها) می‌باشد. با توجه به شکل ۳ می‌توان بار عاملی سوال پژوهش که برابر ۰٫۷۰ می‌باشد را مشاهده کرد. به عبارت دیگر سوال پژوهش تقریباً ۷۰ درصد از واریانس متغیر شرایط علی را تبیین می‌نماید. مقدار ۰/۵۰ نیز مقدار خطا می‌باشد. مقدار واریانسی که توسط متغیر اول قابل تبیین نیست، واضح است که هر چه مقدار خطا کمتر باشد ضرایب تعیین بالاتر و همبستگی بیشتری بین سوال و عامل مربوطه وجود دارد. مقدار ضریب تعیین عددی بین ۰ و ۱ است که

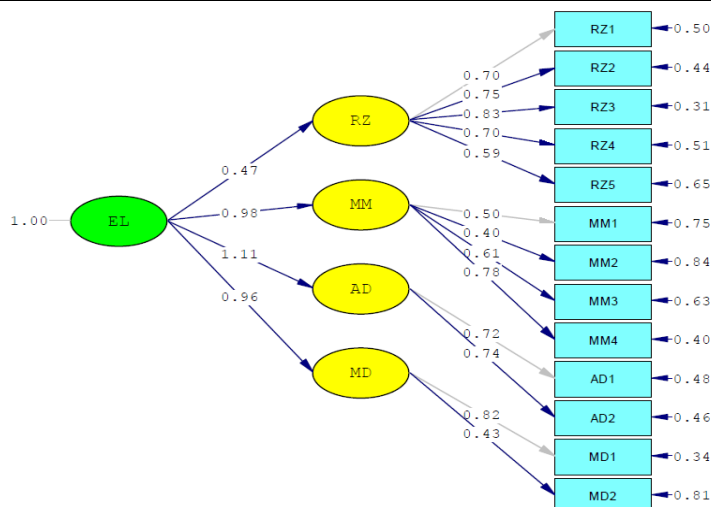


Chi-Square=61.04, df=59, P-value=0.00000, RMSEA=0.063

شکل ۴: اعداد معناداری ضرایب اولین مدل اندازه گیری شرایط علی

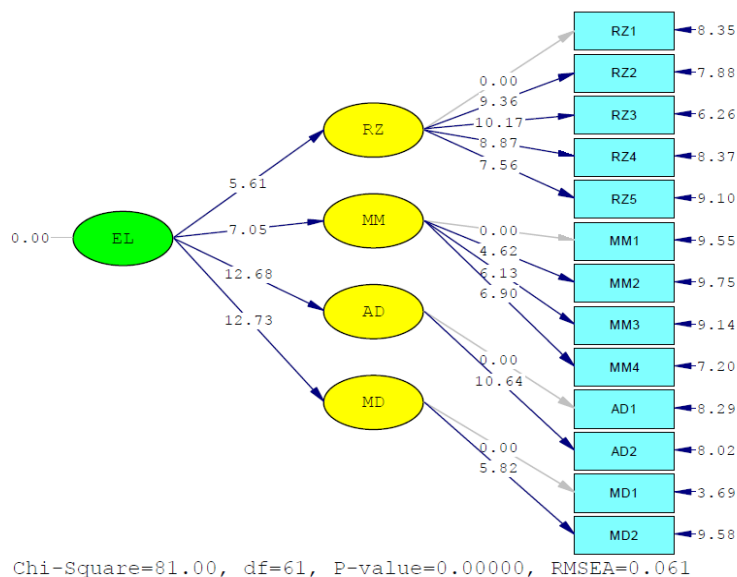
جدول ۶: شاخص‌های برازش دومین مدل اندازه گیری شرایط علی

شاخص برازش	معادل فارسی	مقدار مطلوب	نتایج	تفسیر
Normed Fit Index (NFI)	شاخص برازش هنجار شده	۰،۹۰	۰،۹۸	برازش خوب
Non-Normed Fit Index (NNFI)	شاخص برازش هنجار نشده	۰،۹۰	۰،۹۹	برازش خوب
Comparative Fit Index (CFI)	شاخص برازش تطبیقی	۰،۹۰	۰،۹۹	برازش خوب
Goodness of Fit Index (GFI)	شاخص نیکویی برازش	۰،۹۰	۰،۹۷	برازش خوب
Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	۰،۹۰	۰،۹۴	برازش خوب
$\chi^2/df$	خی دو به درجه آزادی	$3 >$	۱/۳۲	برازش مطلوب



Chi-Square=81.00, df=61, P-value=0.00000, RMSEA=0.061

شکل ۵: مدل دوم اندازه گیری شرایط علی در حالت تخمین استاندارد



شکل ۶: مدل دوم اندازه‌گیری شرایط علی در حالت معناداری

شاخص‌های به دست آمده مقدار برازش خوب و مطلوب را نشان می‌دهند.

#### بحث و نتیجه‌گیری

کشورها برای وضع خط‌مشی‌های بهتر لازم است اصول نظری حکمرانی خوب از جمله مشارکت، باز بودن و شفافیت، اجماع محوری ۷۹، را مد نظر قرار دهند. حکمرانی فرآیندی است که طی آن تصمیمات متفاوتی مانند روند کلی دستورکار در مورد انتخاب بین گزینه‌های مختلف برای یافتن بهترین راه حل‌های ممکن، انتخاب ذینفعان برای دخالت در فرآیند، اتخاذ می‌شود. هرچه میزان مشارکت ذینفعان در فرآیند تنظیم دستورکار افزایش یابد، شفافیت در خط‌مشی‌گذاری افزایش یافته و امکان بروز فساد در مجلس کاهش می‌یابد. نمایندگان مجلس در خصوص تعریف مسئله و مشاوره با ذینفعان در راستای جمع‌آوری شواهد، و دسترسی به داده‌های خوب، باید حساس باشند. خط‌مشی‌گذاری کارآمد و اثربخش در سایه مشارکت نخبگان و گفتگو با گروه‌های اجتماعی ذینفع امکان‌پذیر است. کمیسیون انرژی مجلس نیز از این قاعده مستثنی نبوده و جهت تدوین خط‌مشی‌های

همان‌طور که در شکل ۵ مشاهده می‌شود شاخص‌های مدل حاکی از برازش مدل است. مطابق جدول ۶ مقدار  $\chi^2$  به درجه آزادی برابر با ۱/۳۲ می‌باشد. همچنین میزان RMSEA (برابر با ۰/۰۶۱) و شاخص‌های GFI (برابر با ۰/۹۷)، AGFI (برابر با ۰/۹۴)، NFI (برابر با ۰/۹۸)، NNFI (برابر با ۰/۹۹) و CFI (برابر با ۰/۹۹) نشان دهنده مناسب بودن مدل است. به عبارت دیگر مدل مفهومی پژوهش تا میزان زیادی منطبق بر داده‌های مشاهده شده است. بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ بوده اند و معنی دار می‌باشند.

تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم رابطه میان ابعاد و مفاهیم شرایط علی را مورد بررسی قرار می‌دهد. از این رو با توجه به شکل ۵ مدل دوم اندازه‌گیری شرایط علی در حالت تخمین استاندارد، می‌توان میزان رابطه (بارهای عاملی) ابعاد را مشاهده کرد. مقدار بارهای عاملی از ۰/۳ بیشتر می‌باشد، از این رو معنی دار بوده و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد.

در حالت ضرایب معناداری در شکل می‌توان مقادیر آماره T را مشاهده کرد که در تمامی ابعاد از ۱/۹۶ بیشتر بوده از این رو قابل قبول می‌باشند. از آن جایی که نتایج به دست آمده معنی دار بوده لذا

ذینفعان در مجلس؛ توجه کمیسیون انرژی مجلس به ملحوظ کردن همه بازیگران حوزه انرژی (هم قدرتمندترین و تأثیرگذارترین ذینفعان و هم ذینفعان ضعیف و بی قدرت) و الزامات و علائق، خواسته‌های ذینفعان و جلب اعتماد آنها؛ تدوین و تصویب دستورالعمل‌هایی برای درگیرسازی ذینفعان با مشورت با خود آنها؛ برنامه ریزی برای ایجاد و تقویت تعهد مجلس به مشارکت ذینفعان در همه سطوح، و دادن آگاهی لازم به مجلس نسبت به نقش وی در ترویج خط‌مشی‌گذاری باز، ذینفع محور و پاسخگو؛ ایجاد شکل‌های استانی مرتبط با مجلس برای استفاده از نظریات ذینفعان در تدوین دستورکار خط‌مشی عمومی؛ شناسایی و تجزیه و تحلیل منفعت، قدرت، فوریت و تعاملات درونی هر یک از گروه‌های ذینفع حوزه انرژی؛ پیش بینی رفتار و احتمال مخالفت و حمایت ذینفعان؛ شناسایی سطح اهمیت ذینفعان درونی، بیرونی، حاکمیتی و بین‌المللی حوزه انرژی؛ افزایش آگاهی و اطلاعات اعضای کمیسیون و تخصص حرفه‌ای آنها در زمینه انرژی؛ ایجاد برنامه‌های رضایت‌مندی ذینفعان در ابعاد پاسخگویی درست و به موقع، تضمین دانش، برخورد مناسب نمایندگان مجلس، اعتماد سازی در ذینفعان، تامین منافع همه ذینفعانی که مشارکت دارند.

### منابع و مأخذ

دانایی فرد، حسن. امامی، سید مجتبی. استراتژی‌های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه پردازی داده بنیاد. اندیشه مدیریت، سال اول، شماره دوم، ۶۹-۹۷، سال ۱۳۶۸.  
هیل، مایکل. هیوپ، پیتر. اجرای خط‌مشی عمومی، حکمرانی در نظریه و عمل. ترجمه معدنی، جواد و خدایی، نیما. انتشارات آذرین مهر، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۹۷.

Alemanno, A. (2015), Stakeholder Engagement in Regulatory Policy (November 15, 2015). Regulatory Policy Outlook, OECD Publishing,

مناسب ناگزیر است تا از وجود نخبگان و ذینفعان بهره برده و از ظرفیت‌های فکری آنها استفاده نماید. در غیر این صورت ادامه روند فعلی که همانا کاهش به کارگیری خبرگان و ذینفعان می‌باشد می‌تواند در بلند مدت موجب ناکارآمدی خط‌مشی‌های تدوین شده و در نهایت کاهش بهره‌وری کمیسیون مذکور شده و به نوعی موجب اتلاف منابع مالی، انسانی و طبیعی می‌گردد. نظر به اینکه ذینفعان مانند پلی برای قرار گرفتن جریان مسائل در دستورکار خط‌مشی، عمل می‌کنند و در شرایط فعلی خلاء و فضای خالی ۸۰ حضور فعال ذینفعان بین مسائل و دستورکار وجود دارد، این پژوهش جهت گیری تدوین دستورکار خط‌مشی عمومی از حالت سلسله مراتبی را به فرآیندی تغییر داده و در راستای فرآیند مدار ۸۱ کردن به جای فرد مدار ۸۲ بودن عملکرد کمیسیون انرژی مجلس است. مجلس بهتر و کارتر، دستورکار خط‌مشی بهتر، دموکراسی قوی تر و بازیگران مقتدرتر از جمله دستاوردهای این پژوهش است. لذا باید باز عملکرد، تبدیل به روش پیش فرض در عملکرد کمیسیون انرژی مجلس باشد. فعال بودن احزاب سیاسی در مجلس و به تبع آن در کمیسیون‌های تخصصی مجلس، موجب برقراری مباحثه درخصوص موضوعات مورد علاقه خود و ترغیب کردن طرف‌های دیگر در راستای منافع و پاسخگویی به آن مسائل می‌شود. کمیسیون انرژی مجلس باید به صورت مداوم با ذینفعان حوزه انرژی تعامل داشته باشد تا بتواند درک عمیق تری از منافع ملی حاصل نماید.

توجه کافی به توانمندسازی مجلس برای انجام تعامل موثر و کارآمد با ذینفعان؛ آموزش و آگاه سازی سیستماتیک نمایندگان در استفاده از تکنیک‌های تعامل با ذینفعان و تعهدات و وظایف خود در مورد مشارکت ذینفعان؛ فراهم کردن سازوکارهایی در مجلس برای متعهد کردن کمیسیون‌های تخصصی به مجلس باز؛ تبیین واضح مسئولیت‌های مربوط به مشارکت دادن

- Dorf, M.C., Sabel, C.F. (1998). A constitution of democratic experimentalism, *Columbia Law Review*, Cornell Law Faculty Publications. Vol. 98, No. 2, 267. <https://scholarship.law.cornell.edu/facpub/120>
- Eaton, W.M., Brasier, K.J., Burbach, M.E., Whitmer, W., Engle, E.W., Burnham, M., Quimby, B., Chaudhary, A.K., Whitley, H., Delozier, J., Fowler, L.B., Wutichh, A., Bauschi, J.C., Beresford, M., Hinrichs, C.C., Burkhart-Krieselk, C., Preisendanzl, H.E., Williams, C., Watson, J., Jason Weigle, J. (2021). A Conceptual Framework for Social, Behavioral, and Environmental Change through Stakeholder Engagement in Water Resource Management, *SOCIETY & NATURAL RESOURCES*, VOL. 34, NO. 8, 1111–1132. <https://doi.org/10.1080/08941920.2021.1936717>.
- ESCAP. (2018). Effective Stakeholder Engagement for the 2030 Agenda. Training Reference Material, Thailand, Version 1.
- Fasone, C., and N. Lupo. 2015. "Transparency Vs. Informality in Legislative Committees: Comparing the US House of Representatives, the Italian Chamber of Deputies and the European Parliament." *Journal of Legislative Studies* 21 (3): 342–359. doi:10.1080/13572334.2014.999533.
- Forbici, G., Divjak, T. (2017). Measures for Strategic Development of Civil Participation in Decision Making in the Eastern Partnership Countries. European Union and Implemented by the Council of Europe.
- Forkert, J. (2017). Parliamentary Committees: Improving public engagement, ASPG Conference 27 – 30 September 2017, Hobart.
- Franzén, F. (2012). Creating pathways for stakeholder participation in water management (Doctoral dissertation, KTH Royal Institute of Technology).
- Gomes, R.C. (2004). Who ar The Relevant Stakeholders to The Local Government Contex? Empirical Evidences on Environmental Influences in the Decicion-Making Progress of Enhlish Local Authorities. *Brazilizn Administration Revew BAR*, v. 1, n. 1, p. 34-52, Jul./Dec. 2004, 34-52.
- Gray, B. (1989). Collaborating: Finding Common Ground for multiparty problems, San Francisco, Jossey-Bag.
- Gudowsky, N., Peissl, W., Sotoudeh, M., Bechtold, U. (2012). Forward-looking activities: incorporating citizens' visions: a critical analysis of the CIVISTI method. *Poiesis Prax* 9:101–123 <https://doi.org/10.1007/s10202-012-0121-6>.
- Hazlehurst, D. (2001). Networks and policy making: from theory to practice in Australian social. Australia: Australian national University.
- available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2701675>.
- Anderson, j. E. (2003). Public policymaking, an introduction. Boston: Houghton Mifflin Company, pp. 1 – 34.
- Björge, A.A., Fossheim, B. K., Macharis, C. (2021). How to build stakeholder participation in collaborative urban freight planning, *Cities* 112, Published by Elsevier Ltd.
- Blomkamp, E. (2021). Systemic design practice for participatory policymaking, *POLICY DESIGN AND PRACTICE*. Published by Informa UK Limited, trading as Taylor & Francis Group.
- Bochel, H., Berthier, A. (2019). A Place at the Table? Parliamentary Committees, Witnesses and the Scrutiny of Government Actions and Legislation, *Social Policy & Society*: page 1 of 17, Cambridge University Press, doi:10.1017/S1474746418000490.
- Bomberg, E. (2013). The Comparative Politics of Fracking: Agenda-Setting, Networks and Framing in the US and Europe. Annual meeting of the UK Political Science Association. Scotland, UK, Edinburgh: University of Edinburgh.
- Bonafont, L. C., Marquez, L.M. (2011). Mobilization of Interest Group in the Espanish Parliament. General Conference of the ECPR Iceland.
- Brezovar N. (2019). Early Stakeholder Engagement for Better Regulation of the Ngo Sector-Positive Experience from Slovenia. Paper for the 27th NISPAcee Annual Conference. Available at: [https://www.nispa.org/files/conferences/2019/e-proceedings/system\\_files/papers/stakeholder-engagementbrezovar.pdf](https://www.nispa.org/files/conferences/2019/e-proceedings/system_files/papers/stakeholder-engagementbrezovar.pdf).
- Birkland, T. A. Schwaeble, K. L. (2019). Agenda Setting and the Policy Process: Focusing Events. Oxford Research Encyclopedia of Politics.
- Cardinia Shire Council. (2021). Community Engagement Policy 2021–24, Intranet and public website, DRAFT 1.2.
- Coen, D., Katsaitis, A. (2021). Governance, accountability, and political legitimacy: who participates in the European parliament's committee hearings (ECON 2004–2014), *Journal of European Integration*, DOI: 10.1080/07036337.2021.1922898.
- Desai, A. (2011). Policy Agenda-Setting and the Use of Analytical Agenda-Setting Models for School Sport and Physical Education in South Africa. South Africa: University of South Africa.
- De Smedt, P., Borch, K. (2021). Participatory policy design in system innovation, *POLICY DESIGN AND PRACTICE* <https://doi.org/10.1080/25741292.2021.1887592>.

- Committees? A Comparative Investigation of Parliamentary Committees and Their Constituencies, *Journal of Legislative Studies* 21 (3): 408-427. doi:10.1080/13572334.2015.1042292
- Pluchinotta, I., Kazakçi, A., Giordano, R., Tsoukiàs, A. (2020). Design Theory for Generating Alternatives in Public Decision Making Processes, HAL Id: hal-02324106 <https://hal.archives-ouvertes.fr/hal-02324106>.
- Rasheed, A.R., Abdulla, A. (2020). Evaluating stakeholder participatory processes in policy development for Marine Protected Areas, *Marine Policy*, 112,
- Schattschneider, E. (1960). *The Semi Sovereign People*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Stewart, J. Jr. (1991). Policy Models and Equal Educational Opportunity. *Political Science and Politics*, No 24, 167-173.
- Strauss, A., Corbin, J. (2008). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Sage, Thousand Oaks.
- Su Seo, H. (2016). *Parliament and Direct Forms of Citizen Participation: The political impact of Citizens' Initiative in Finland*. ECPR General Conference. Prague: University of Tampere, Finland.
- Tshabalal, S. (2013). *Public Participation Framework for the South African Legislative Sector*, Legislative Sector of South Africa.
- Walker, A., Jurczak, N., Bochel, C. (2019). How Public Engagement Became a Core Part of the House of Commons Select Committees. *Parliamentary Affairs*, 72 (4). pp. 965-986. ISSN 0031-2290 <https://doi.org/10.1093/pa/gsz031>.
- Weingart, P., Joubert, M., Connaway, K. (2021). Public engagement with science Origins, motives and impact in academic literature and science policy. *PLoS ONE* 16 (7, e0254201. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0254201>.
- Yalmanov, N. (2021). *Public Policy and Policy-Making, XXIII International Conference Culture, Personality, Society in the Conditions of Digitalization: Methodology and Experience of Empirical Research Conference*.
- Hendriks, C.M., Kay, A. (2016). From 'opening up' to democratic renewal: Deepening public engagement in legislative committees, *Forthcoming in Government and Opposition*.
- Johnson, J. K. (2005). *The Role of Parliament in Government*. Washington, D.C., World Bank Institute.
- Jørgensen, M.S, Jørgensen, U., Clausen, C. (2009). the Social shaping approach to technology foresight. *Futures* 41:80-86. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2008.07.038>.
- Kirylyuk, H., Glińska, E., Ryciuk, U., Vierikko, K., RollnikSadowska, E. (2021). Stakeholders engagement for solving mobility problems in touristic remote areas from the Baltic Sea Region, *PLOS ONE* | <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0253166>.
- Kriesi, H., Ferrera, M., Waltraud Schelkle, W. (2021). The theoretical framework of SOLID – a research agenda, European Union's Horizon 2020 research and innovation programme under grant agreement No. 810356 Published in the framework of Project SOLID, *Policy Crisis and Crisis Politics*, Access at [www.solid-erc.eu](http://www.solid-erc.eu).
- Kaufman, H. (1976). *Are Government Organizations Immortal?* Washington, DC: Brooking Institution.
- Mhazo, A., Maponga, C.C. (2021). Agenda setting for essential medicines policy in sub-Saharan Africa: a retrospective policy analysis using Kingdon's multiple streams model, DOI: 10.1186/s12961-021-00724-y, Free PMC article,
- Matthews, F. (2021). The value of 'between-election' political participation: Do parliamentary e-petitions matter to political elites? *The British Journal of Politics and International Relations*, Vol. 23 (3) 410-429, DOI: 10.1177/1369148120959041 [journals.sagepub.com/home/bpi](http://journals.sagepub.com/home/bpi)
- OECD. (2009). *Focus on Citizens: Public Engagement for Better Policy and Services*, OECD Studies on Public Engagement, OECD Publishing, Paris, <http://dx.doi.org/10.1787/9789264048874-en>.
- Ostrom, E. (1990). *Governing the Commons. The Evolution of Institutions for Collective Action*. Cambridge University Press. USA.
- Otjes, S. (2019). No politics in the agenda-setting meeting': plenary agenda setting in the Netherlands. *WEST EUROPEAN POLITICS*, VOL. 42, NO. 4, 728-745.
- Papaloi, A., Gouscos, D. (2011). E-Parliaments and Novel Parliament-to-Citizen services, *JeDEM* 3 (1): 80-98, ISSN 2075-9517 <http://www.jedem.org>.
- Pedersen, H.H., Halpin, D., Rasmussen, A. (2015). *Who Gives Evidence to Parliamentary*

#### یادداشت‌ها

<sup>1</sup> Schoroth  
<sup>2</sup> ESCAP  
<sup>3</sup> Jørgensen  
<sup>4</sup> OECD  
<sup>5</sup> Blomkamp  
<sup>6</sup> De Smedt & Borch  
<sup>7</sup> Bjørgen



74 *Open Coding*  
75 *Axial Coding*  
76 *Selective Coding*  
77 *Kolmogorov-Smirnov*  
78 *Bartlett*  
79 *Consensus Oriented*  
80 *Wide space*  
81 *Process-Based*  
82 *Person-Based*

8 *Gray*  
9 *Alemanno*  
10 *Johnson*  
11 *Desai*  
12 *Su Seo*  
13 *Hazlehurst*  
14 *Otjes*  
15 *Stivers*  
16 *Hupe & Hill*  
17 *Looks*  
18 *Bonafont & Marquez*  
19 *Brezovar*  
20 *Hendriks & Kay*  
21 *Information*  
22 *Gomes*  
23 *Anderson*  
24 *Pluchinotta*  
25 *Yalmanov*  
26 *Birkland & Schwaeble*  
27 *Mhazo & Maponga*  
28 *Kriesi*  
29 *Stewart*  
30 *Bomberg*  
31 *Schattschneider*  
32 *Kaufman*  
33 *Weingart*  
34 *Cardinia Shire*  
35 *Arnstein*  
36 *Ringholm*  
37 *Kiryluk*  
38 *Information*  
39 *Selfcontrol*  
40 *Ostrom*  
41 *Consultation*  
42 *Co-thinking*  
43 *Co-designing*  
44 *Decision-making*  
45 *Franzén*  
46 *Cohen*  
47 *Eaton*  
48 *Government*  
49 *Governance*  
50 *OECD*  
51 *Rasheed*  
52 *Participatory Democracy*  
53 *Tshalal*  
54 *Gudowsky*  
55 *Papaloi & Gouscos*  
56 *Cavalieri & Froio*  
57 *Matthews*  
58 *reflective*  
59 *Forkert*  
60 *Bochel & Berthier*  
61 *Walker*  
62 *Pederson*  
63 *Democratic Experimentalism*  
64 *Dorf & Sabel*  
65 *Open Parliament*  
66 *Forbici & Divjak*  
67 *Transparency*  
68 *Informality*  
69 *Fasone & Lupo*  
70 *Hearing*  
71 *Green Pedersen*  
72 *Coen & Katsaitis*  
73 *Strauss & Corbin*



## Explain the Causal Conditions of Stakeholder Participation in the General Policy Agenda of the Energy Commission of the Islamic Consultative Assembly Using the Data Theory of the Foundation

Mahmood Dashtbozorg<sup>1</sup>- Foad Makvandi\*<sup>2</sup>- Vahid Chenari<sup>3</sup>- Ganbar Amirnejad<sup>4</sup>- Saeed Jafarinia<sup>5</sup>

### Abstract

**Objective:** Modern societies are increasingly shaped by the interaction and collaboration of a diverse range of actors and stakeholders to provide credible policies. Involving a diverse range of actors is therefore not only a matter of adhering to the principle of democratic participation, but also a means of setting agendas that are socially strong. The openness of the parliament can provide important opportunities for stakeholder participation in the main functions of the parliament, including policy-making. The main purpose of this study is to explain the causal conditions of stakeholder participation in the general policy agenda of the Energy Commission of the Islamic Consultative Assembly.

**Method:** This research is applied in terms of purpose and descriptive-survey in terms of nature. Data were collected using semi-structured interviews. The statistical population of this study included experts, professors and experts, representatives and members of the Parliamentary Energy Commission who were randomly selected from 22 people. To answer the main research question, review the sub-questions and analyze the collected findings, descriptive statistics and inferential statistics with SPSS and Lisrel software were used. This research is a qualitative and quantitative research that has used the data method of the foundation. After semi-structured interviews, the causal conditions of stakeholder participation in the general policy agenda of the Energy Commission of the Islamic Consultative Assembly were identified with the components of stakeholder behavior, nature of participation, managerial factors and nature of policy agenda.

**Findings:** This research is a qualitative and quantitative research that has used the data foundation method. After semi-structured interviews, the causal conditions of stakeholder participation in the general policy agenda of the Energy Commission of the Islamic Consultative Assembly were identified with the components of stakeholder behavior, nature of participation, managerial factors and nature of policy agenda.

**Results:** Considering that stakeholders act as a bridge for the flow of issues in the policy agenda, and in the current vacuum and empty space there is an active presence of stakeholders between the issues and the agenda, this study aims to develop a general policy agenda from It has changed the hierarchical mode to a process, and in line with the process of orbitalization, instead of being individualistic, the performance of the Parliamentary Energy Commission.

**Keywords:** Parliament, Public Policy, Agenda, Participation, Stakeholders

---

<sup>1</sup> Department of Public Administration, shoushtar Branch, Islamic azad University, shoushtar, iran.

<sup>2</sup> Department of Public Administration, shoushtar Branch, Islamic azad University, shoushtar, iran. (Corresponding Author)  
*Foad.makvandi@ iau-shoushtar.ac.ir*

<sup>3</sup> Department of Public Administration, shoushtar Branch, Islamic azad University, shoushtar, iran.

<sup>4</sup> Department of management, South tehean, Islamic azad University, Tehran, iran.

<sup>5</sup> Faculty of Management, Tehran Kharazmi University, Tehran, iran.